

تاریخچه ی نجوم

تاریخ نجوم را می توان به سه دوره تقسیم کرد: دوره ی زمین مرکزی، دوره ی کپکشانیه و دوره ی کیهانی.

۱- دوره ی زمین مرکزی

منجمان نخستین در دوران باستان معتقد بودند که زمین باید در مرکز جهان باشد و خورشید و ماه و ستارگان به دور زمین ثابت می گردند.

با وجود این فرض غلط کشف های گسترده ای در این دوران صورت پذیرفت، گاه شماری با دقت زیاد رشد کرد، دایرة البروج^۱ به دقت تمام تعریف شد. دوره ی کامل کسوف و خسوف تعیین گردید و حتی به حرکت محور زمین پی برده شد.

دانش نجومی دوران باستان را بطلمیوس در قرن دوم میلادی در کتاب *المجسطی* گردآوری کرد که تا بیش از چهارده قرن راهتمای اصلی منجمان بود.

پایان دوره ی زمین مرکزی در قرن شانزدهم با شخصی به نام *نیکولاس کوپرنیکوس* پیوند دارد.

۲- دوره ی کپکشانیه

کوپرنیک نشان داد که زمین نه تنها مرکز جهان نیست، بلکه تنها یکی از سیاراتی است که به دور خورشید می گردد.

همچنین آشکار شد که خورشید خود ستاره ای از ستاره های بی شمار آسمان است.

در این دور روش مطالعه ی نجوم، پیوسته علمی تر شد و انگیزه ی اصلی آن میل به شناخت و فهم قوانین بنیادی حاکم بر حرکت اجرام آسمانی و توضیح چیزهایی بود که بشر به چشم می دید.

از جمله افرادی که در این دوره برای پیشرفت نجوم زحمت بسیاری کشیدند می توان از *تیکو براهه* (با انجام رصد های گسترده)، *گالیلئو گالیله* (ساخت اولین تلسکوپ)، *یوهانس کپلر* (کشف قوانین حرکت سیارات) و *سرایزاک نیوتن* (کشف قانون گرانش عمومی) نام برد.

^۱ مسیر ظاهری خورشید از میان ستارگان

۳- دوره ی کیهانی

در این دوره آشکار شد که کهکشان ستاره هایی که خورشید ما به آن تعلق دارد فقط یکی از کهکشان های بسیاری است که برخی بزرگ تر از کهکشان ما و برخی کوچک تر اند.

بخش زیادی از تحقیقات نجومی یک قرن اخیر به این اختصاص داشته است که ما تصویری کامل از جهان به دست آوریم. تلسکوپ های نوری بزرگ تر و نیز تلسکوپ های رادیویی کوچک تر برای کمک به این امر ساخته شده اند.

نابغه ی نظری بزرگ این دوره *آلبرت اینشتاین* است و کیهان شناسی جدید و اختر فیزیک سخت به نظریه ی نسبیت او و فیزیک کوانتومی متکی اند.

ما در این دوره ی نجومی زندگی می کنیم و تا پایان آن راه درازی در پیش است...